

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۵ جنوری ۲۰۱۹

## روزش حتماً می رسد، اما چه وقت؟؟

دوشنبه- ۲۴ جدی ۱۳۹۷ کابل: در چند روز اخیر از طریق نشرات پورتال "افغانستان آزاد-آزادافغانستان" در جریان روند قضایا در سودان قرار گرفتم، بی توجهی و سکوت نسبی رسانه های رسمی که بیانگر مواضع حاکم در سطح جهانی است، کاملاً قابل فهم است، زیرا آنها تا کنون نتوانسته اند ایادی خود را در درون خیزش خلق سودان علیه "عمر البشیر" برادر سکه "گلبدین" اخوانی کثیفی که در همسویی با امپریالیسم و صهیونیسم و دست دراز عربستان سعودی خون خلق سودان را به شیشه کرده است بیابند در نتیجه می خواهند با توطئه سکوت نسبت به خیزش خلق سودان برخورد نمایند. به اجازه شما هموطنان گرامی یادداشت امروزم را از ایران و سودان آغاز نموده و به کشور خود ما ختم خواهم نمود:

۱- سرقت دست آورد خلق ایران به کمک امپریالیستها توسط "خمینی" و باند های مافیائی آخوندی دور و برش در مبارزه علیه شاه ایران در سال ۱۹۷۹، که به نام "انقلاب اسلامی" ثبت تاریخ گردید، گذشته از احیای مذهب در ایران در واقع نویدی بود به تمام نهاد های منوط به اسلام سیاسی که می توانند با ارتقای درجه فریبکاری و آموختن رمز و رموز سواری کردن بر گرده مردم از خمینی جلد و باندش، خود را قادر بسازند تا در ربع چهارم قرن بیستم، مهر اسلام سیاسی را به مثابه لکه ننگی بر جبین کشور های زیادی حک نمایند.

۲- این را می دانیم که "عمر البشیر" در پیوند با "حسن ترابی" رهبر اخوان در سودان، در آستانه کودتای ۱۹۸۹ در آن کشور، هر دو با الهام گیری از به اصطلاح انقلاب اسلامی ایران و پیروزی های خلق افغانستان در تقابل با شوروی که در جهان به نام اخوان ثبت می شد، با سوء استفاده از اعتقادات مذهبی مردم و فساد و ضعف های دولت وقت سودان، دست به کودتا زده، قدم به قدم حاکمیت اسلام سیاسی را در آن کشور تحکیم نمودند.

۳- بعد از سقوط دولت دست نشانده روسها در افغانستان و آمدن و رفتن جهادی ها و طالب و اینک امپریالیست های اشغالگر در همسویی مطلق با اسلام سیاسی، هر چند فعلاً حاکمیت در افغانستان تنها به وسیله داعیان اسلام سیاسی نمایندگی نمی گردد مگر داعیان اسلام سیاسی از یک جانب خود را بدیل و مستحق درجه اول هر نوع حاکمیتی در افغانستان می دانند و از جانب دیگر، تا هنوز شعار های اسلام پناهی و اسلام نمائی، اسلام سیاسی علی رغم تمام جنایاتی که طی این مدت انجام داده اند، کاملاً رنگ نپاشته از بین نرفته اند. یعنی داعیان و منادیان اسلام سیاسی هنوز هم قادر هستند با تکیه بر عقیماندگی مردم و سوء استفاده از اعتقادات آنها، دم از حمایت و داشتن پایگاه مردمی بزنند.

\*\*\*\*\*

حاکمیت جبارانه، ضد انسانی و ارتجاعی داعیان اسلام سیاسی در هر سه کشور که به جز فقر، مرض، بیسوادی، جنگ و گرسنگی ارمغان دیگری نداشته موجب شده است، تا:

۱- در ایران که اسلام سیاسی اولتر از دیگر مناطق در آن به حاکمیت دولتی رسیده است، چهل سال حاکمیت، خلق ایران را به جایی رسانده که نه تنها از طبقه حاکم ملبس به لباس روحانیت منزجر و متنفر می باشند و در مبارزات همه روزه شان شعار مرگ بر آنها را سر می دهند، بلکه ضدیت با اسلام سیاسی، آهسته آهسته مگر استوارانه علیه خود اسلام به مثابه دینی که در قرن ۲۱ حرفی برای گفتن ندارد، حرکتش را تکامل داده است. حرکتی که در صورت تداوم و پیروزی، نه تنها شاخه های دیگر اسلام سیاسی، نمی توانند به مثابه بدیل مطرح گردند بلکه خلاف ۴۰ سال قبل، نخستین گام در جهت تثبیت یک هویت انقلابی می باید از نفی دین آغاز بیابد.

۲- وضعیت کنونی سودان که زمانی یعنی در تمام دهه ۹۰ و دو دهه اخیر، انتساب به حزب کمونیست گذشته از مجازاتهای حکومتی، در برخی موارد زمینه های تجرید افراد را حتا از خانواده های شان فراهم می ساخت، بر مبنای جنایاتی که داعیان اسلام سیاسی طی مدت حاکمیت شان انجام دادند، مجدداً اعتبار و افتخار گذشته اش را یافته، تمام مردم سودان به خصوص در پایتخت به دور حزب کمونیست آن کشور که حامل ده ها مشکل تیوریک نیز هستند، حلقه زده، می دانند که به جز کمونیستها هیچ نیروی دیگری توان رهائی خلق از چنگالهای خونین اسلام سیاسی را ندارد.

۳ - با در نظر داشت دو کشور فوق می توان با قاطعیت حکم نمود که بریدن خلق افغانستان نیز از اسلام سیاسی امریست حتمی؛ اما این که چه وقت، کاملاً ارتباط می گیرد به این که نیروهای انقلابی تا چه حدی به وظایف شان عمل نموده به جای این که دنباله رو نیروهای امپریالیستی بگردند، با شعار های رهائیبخش، انسانی و ترقیخواهانه خودشان وارد میدان نبرد با هویت مستقل خود بگردند.

طلیعه بریدن از اسلام سیاسی در ایران و سودان آغاز یافته، ما باید بکوشیم با کار و پیکار انقلابی خود، این طلیعه را به طلوع آفتاب تابان انقلاب ملی دموکراتیک در کشور خود ما کامل سازیم

**سرکها ما را می طلبد!!**